

ناکامی ترکیه در حفظ دوستی با همسایگان

ali/خبرگزاری آران
سیاست جدید ترکیه

به نظر می رسد که ترکیه مسیر سیاست خارجی خود را در خاورمیانه از تعریف سیاست متوازن تا حدی خارج می کند و وضعیت پله کانی یا سلسله مراتبی را ترسیم می کند. بدین معنا که ترکیه به دنبال این است نقش منطقه ای را که در چندسال اخیر در نتیجه تحرکات دیپلماسی خودش بدست آورده، اکنون تبدیل به نقش محوری در منطقه کند تا بتواند در آینده سیاست خود را بر اساس آن ترسیم کند. به عبارت دیگر نوعی تغییر در نگرش سیاست خارجی ترکیه نسبت به خاورمیانه پدید آمده است. این تغییر و تفکیک یا ناشی از مدار جدیدی است که طراحان سیاست خارجی ترکیه طراحی کردند، یا اینکه مبتنی بر یک سری الزامات نشأت گرفته از محیط داخلی و بازیگران بین المللی است.

این دیدگاه نیز تقویت شده است که در سیاست خارجی ترکیه به شکلی تناقض ها و یا چالش هایی پدیدار می شود. منظور از چالش این است که سیاست تنش صفر با همسایگان که از چند سال پیش توسط داوود اوغلو به یک تئوری تبدیل شده و در دولت رجب طیب اردوغان به اجرا گذاشته شده است، اکنون با دغدغه های جدیدی مواجه شده که در برابر این نگرش، سیاست خارجی و این طرح، نگاه جدیدی در آنکارا خلق شده و ترکیه را در مسیر ایجاد تنش با همسایگان پیش می برد.

وضعیتی که اکنون در روابط ترکیه و سوریه حاکم شده، در نتیجه موضعی است که ترکیه در ارتباط با تحولات سوریه در حدود پنج تا شش ماه اخیر اتخاذ کرده است. اگر نگاهی کلی به فرایند تحولات خاورمیانه از ابتدای سال میلادی جاری تا کنون ببیندیم، کاملا مشخص است که سوالاتی در مواضع ترکیه نسبت به تحولات خاورمیانه مشاهده می شود. در این نوسانات نوع نگاه ترکیه به تحولات در تونس و مصر با لیبی تا چند ماه پیش متفاوت بود و از چند ماه پیش هنگامی که در ترکیه این باور به وجود آمد که قذافی رفتنی است، چرخشی در سیاست ترکیه نسبت به لیبی ایجاد شد و ترکیه از انقلابیون حمایت کرد. از سوی دیگر در خلیج فارس و تحولاتی که در این منطقه شکل گرفت نوعی سکوت بر مواضع ترکیه حاکم بود.

بدین معنا که موضع صریح، روشن و حتی جانبداری درباره تحولات حوزه خلیج فارس در بحرین، یمن و یا حتی در عربستان اتخاذ نشد و مقامات ترکیه سعی کردند سکوت کنند. این امر در شرایطی بود که تحولات در سوریه به ناکامی نگاه ترکیه به تحولات خاورمیانه را دگرگون کرد. همچنین در نوع نگاه بازیگران منطقه ای که نسبت به سیاست ترکیه تعاملاتی داشتند، به نظری رسد تغییراتی نسبت به سیاست ترکیه ایجاد شده است. بنابراین با توجه به موضعی که ترکیه در ارتباط با سوریه اتخاذ کرده همچون دامنه انتقادهایی که علیه دولت بشار اسد هر روز افزایش پیدا می کند، ترکیه تبدیل به مکانی برای تجمع مخالفان اسد تبدیل شده، از طرف دیگر در نواحی مرزی اردوگاه هایی را برای پناهنجویان سوری احداث کردند، در نتیجه تمامی این مسایل سبب شد که ترکیه از این طریق نشان دهد در نقطه تقابل با دولت سوریه قرار دارد و مواضع خودش را به صورت روشن در برابر سوریه نشان داده است.

در هفته های اخیر حمایت از مخالفان در سوریه فراتر رفته و اکنون ترکیه به سمت تهدید یا استفاده از واژه های تهدیدآمیز در مورد سوریه حرکت کرده است. بنابراین این نگرش ترکیه با نوع سیاستی که امریکا در ارتباط با سوریه دارد، به نوعی همخوانی دارد. از این رو ترکیه به دنبال این بوده تا نشان دهد که نسبت به ناآرامی ها و تحولات در سوریه و کشتاری که در این کشور اتفاق افتاده، بی تفاوت نیست و پیگیر حقوق مخالفان در سوریه است. بنابراین موضعی که از سوی ترکیه تعریف شده با انتقاد شدید دولت سوریه مواجه شده است. حتی بشار اسد به انتقاد از اردوغان پرداخته است. چنین روندی کاملا نشان داده که سیاست ترکیه چه سمت و سویی پیدا کرده است. به همین دلیل است که بحث حرکت ترکیه در مسیر تنش با همسایگان به میان آمده است. به عبارت دیگر در داخل ترکیه نیز کسانی همچون قلیشدار اوغلو رییس حزب جمهوری خلق ترکیه نیز اعلام کرده است که این رویکرد ترکیه در قبال سوریه به نوعی سیاست تنش صفر در منطقه را به محاق برده یا مورد سوال قرار داده است.

بنابراین شاید در ترکیه این سیاست دیگر طرفدارانی نداشته باشد، چراکه از یک سو مساله ترکیه با ارمنستان بلاتکلیف باقی مانده، بحران میان ترکیه و سوریه رو به افزایش است، نگرانی هایی هم میان ترکیه و ایران در رابطه با مساله استقرار سپردفاع موشکی به شکلی ایجاد شده، همچنین تنش میان ترکیه و یونان نیز برقرار است و مساله قبرس هم لاینحل باقی مانده است. بنابراین محیط سیاسی که مرتبط با سیاست خارجی داوود اوغلو به اجرا گذاشته، اکنون محیطی پرالتهاب به نظر می رسد و یا به عبارتی باید گفت که ترکیه از جلد سیاست خارجی خارج و وارد کالبد دیگری شده است. در نتیجه این کالبد عوض کردن برای دولت مردان ترکیه تصادفی ارزیابی نمی شود و به نظر می رسد که آنها بر اساس منافی که برای خود تعریف کردند، اتخاذ موضع می کنند.

در ارتباط با آینده تحولات سوریه به نظر می رسد که در ترکیه دو نگاه وجود دارد:

1. شاید برای دولت مردان ترکیه این باور وجود دارد که اگر در سوریه تغییرات بنیادین رخ دهد، تحت فشارهای ترکیه اصلاحاتی انجام بگیرد و از این منظر آنکارا به دنبال این است که پرستیژ سیاسی خود را به منظور تحت فشار قرار دادن کشور همسایه به نمایش بگذارد، برای رعایت آنچه که مکانیزم های نظام دموکراسی از دید ترکیه تعریف می شود و بحث از حقوق مخالفان در سوریه می کند. حتی اگر در سوریه این تغییرات بنیادین ایجاد نشود، توان سیاست خارجی ترکیه با توجه به پیشینه ای که با سوریه داشتند، احساس می کنند پس از مدت کوتاهی می توانند به سمت عادی سازی روابط با این کشور حرکت کنند. چراکه سوریه در یک موقعیت ضعیف شده ای قرار دارد، بنابراین ارتباط برقرار کردن و یا داشتن رابطه قوی با ترکیه برای آنها مهم خواهد بود. یعنی از این دیدگاه چنین ملاحظاتی در ایفای نقش ترکیه نسبت به سوریه وجود دارد.

2. اگر در سوریه تغییرات بنیادین ایجاد شده و نظام سیاسی دگرگون شود، در این زمان ترکیه احساس نوعی پیروزی خواهد کرد و از سوی دیگر ترکیه نمی خواهد از نقش بازیگر تاثیرگذار منطقه خارج شود و قصد دارد به هر شکلی نشان دهد که دارای ظرفیت کافی برای تاثیرگذاری در سیاست منطقه ای و بین المللی برخوردار است. در نتیجه تحرکات اخیر ترکیه نیز در همین راستا قابل تعریف است.

مانور نظامی ترکیه در مرز سوریه

افزایش تنش در رابطه سوریه و ترکیه که به مجادله های لفظی هم کشیده شده، اکنون تا مرز تهدید نظامی از سوی ترکیه پیش رفته است. به این شکل استقرار نیروی نظامی ترکیه در نزدیک مرز سوریه با عنوان انجام مانور نظامی می تواند برای دمشق معنادار باشد. این بدان معناست که ترکیه به بازیگرانی که در رابطه با تحولات سوریه نقش دارند (چه مثبت و چه منفی)، این قدرت را به نمایش بگذارد که می تواند در آینده نقش محوری تری را در منطقه ایفا کند. همچنین از طرف دیگر نباید این واقعیت را هم نادیده گرفت که ترکیه ریسک می کند، به عبارت دیگر در ارتباط با آینده روابطش با کشورهای منطقه و چشم انداز سیاست خارجی این کشور ریسک صریح و سریع و جدی می کند.

بنابراین برخی معتقدند چالش ها در سیاست خارجی ترکیه نسبت به خاورمیانه پدیدار می شود. این چالش ها میان سوریه و ترکیه درونی می شود و به نظر می رسد که اگر روند تحولات در سوریه به همین شکل استقرار پیدا کند و مواضع ترکیه نیز در هفته های آینده در همین وضعیت پایدار بماند، ممکن است روابط تیره ای بر مناسبات آنکارا دمشق حاکم شود. از این رو چالش های پدید آمده بر سر تئوری تنش صفر با همسایگان عملا این سیاست را به محاق برده و روند مواضع ترکیه نسبت به برخی از کشورهای منطقه، آنکارا را به سمت بازیابی تنش پیش می برد و این در شرایطی است که این کشور توانسته بود در طول 6 ماه گذشته با همسایگان اعتمادسازی کند که بسیار مهم بود. به ویژه در رابطه با سوریه که روابط دو کشور در سال 1997 بر سر مساله اوجالان تا مرز برخورد جدی نظامی هم پیش رفت. در سال های اخیر این روابط کاملا در یک نگاه متفاوت تر عمق استراتژیک پیدا کرد. اکنون بازگشت به شرایط تنش آمیز پیشین برای ترکیه هم می تواند زیان آور باشد و صرفا خود سوریه را دچار خسران نمی کند، بلکه این چالش میان دو طرف چشم انداز روابط دو طرف را تحت الشعاع قرار خواهد داد.

